

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No. ۱۱, Bahman ۲۰۲۳

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.344132,3506>

### **Creation in Shahnameh mythology in accordance with verses from the Holy Quran**

#### **Abstract**

The subject of creation is one of the topics that can create a field for the flow of thoughts of people on every planet. The complex meaning and concept of creation and the raw material of creation can be seen everywhere in human life, thought and imagination, which can be explored and deciphered to identify and compare the mysteries. Therefore, in this study, by collecting data through documentary and library methods and with a descriptive-analytical approach, this issue has been studied. Studies show that despite the differences in the discussion of creation in the ancient beliefs and the creation of the universe from the perspective of the Holy Quran, there are many similarities between these two sources that create both culture and civilization, and therefore Shahnameh's expression of the creation of the heavens. And the earth is in harmony with Islamic sources. Accordingly, the (primary) origin of creation (heavens and earth and what is between them, plants, animals and people) was previously in the world of meaning and then in the material world of water, soil and four elements and its symbol in the Shahnameh of Kiomars and in the Holy Quran Adam and your attention.

**Keywords:** Creation, Quran, Myth, Shahnameh, Ferdowsi, Adaptation

## آفرینش در اساطیر شاهنامه در تطبیق با آیاتی از قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۳

جواد صادقی<sup>۱</sup>

یداله ملکی<sup>۲</sup>

قاسم صحرايي<sup>۳</sup>

### چکیده:

موضوع آفرینش از جمله مباحثی است که می‌تواند میدانی برای جولان افکار مردم هر سرزمین به وجود آورد. معنا و مفهوم پیچیده خلقت و ماده اولیه آفرینش در جای‌جای زندگی و تفکر و تخیل بشری قابل مشاهده است که جهت شناخت رموز و مقایسه آن می‌توان به کند و کاو و رمزگشایی اقدام نمود. از اینرو در این مطالعه با جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علیرغم وجود تفاوت‌هایی در بحث آفرینش در باورهای باستانی و خلقت جهان هستی از منظر قرآن کریم، تشابهات زیادی نیز در این دو منبع که هم فرهنگ ساز و هم تمدن سازند، وجود داشته و لذا بیان شاهنامه از آفرینش آسمانها و زمین با منابع اسلامی همخوانی دارد. براین اساس منشأ(اولیه) خلقت (آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست و گیاهان و جانوران و مردمان) قبلا در عالم معنی بوده و بعد درعالم هادی از آب و خاک و عناصر چهارگانه بوجود آمده و نماد آن در شاهنامه کیومرث و در قرآن کریم آدم و حواست.

کلید واژه: آفرینش، قرآن، اسطوره، شاهنامه، فردوسی، تطبیق

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. Javad.sa2384@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول) Yadollahmaleki@yahoo.com

<sup>۳</sup> ر دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. Sahrahi.g@lu.ac.ir

آغاز آفرینش انسان و چگونگی آن از جمله مسائلی است که علاوه بر دست نوشته‌های بشری، در کتب آسمانی نیز مجال طرح یافته است تا آنجا که بخش‌های زیادی از آثار دینی و غیر دینی را به خود اختصاص داده است. بابر سی تطبیقی «چگونگی مراحل آغازین آفرینش عالم هستی» در قرآن کریم و محتوای سایر ادیان، و جوه اشتراک و البته اختلافاتی بیان شده است. در کنار این اتفاق، اسطوره‌ها و یا داستان آفرینش نیز مشاهده میشوند. اسطوره‌ها روایاتی نمادین در فرهنگ و در میان مردم هستند که دربارهٔ آغاز جهان و چگونگی پیدایش مردم سخن می‌گویند (ویکی پدیا، ۱۴۰۱).

اسطوره‌ها در حقیقت داستانها و روایاتی هستند که انسان‌های پیشین برای زایش یا پیدایش عنصر طبیعت پیراهون خود ساخته‌اند. به بیانی دیگر «اسطوره‌ها آن دسته روایات کاملاً معقول و سنتی هستند که در جوامع ابتدایی به شرح امور حقیقی ازلی پرداخته و در حقیقت تلاشی برای نظم بخشیدن به جهان و معنا دادن به آن بوده است. روایاتی نمادین در یک فرهنگ و در میان مردم وجود دارند که دربارهٔ آغاز جهان و چگونگی پیدایش انسان سخن می‌گویند (بهار ۱۳۸۶: ۷۵-۷۶). اسطوره اصطلاحی فراگیر برای نوعی ارتباط به ویژه به گونه روایات دینی است که با رفتار نمادین (آیین‌ها و شعائر) و جایگاه‌ها یا اشیاء نمادین (پرستشگاهها و پیکره‌ها) تفاوت دارد (اسماعیل پور، ۱۳۹۳: ۱۴).

بعد از گرایش ایرانیان به آیین مقدس اسلام، مسیر فرهنگ گذشته آنان دگرگون شده و به تدریج دستورات واحکام این آیین جدید در سرتاسر شئون زندگی فردی و اجتماعی مردم این سرزمین پهناور رسوخ یافت. بسیار طبیعی است که سیل خروشان فرهنگ اسلامی در آثار سخن‌سرایان و نویسندگان جلوه گر شده و از معانی بلند قرآن و خصوصاً روایت آفرینش الهام گرفته شود. سرزمین ایران از دیر باز حکیمان و دانشمندان فراوانی در خود پروراندند است که هر یک تاثیر بسزائی در گسترش و ترویج باورهای حقیقی در مورد آفرینش انسان و هستی و پایداری و دانش بشری داشته‌اند. شاهنامه فردوسی منظومه بسیار ارزشمندی است که ضمن تاثیر پذیری از احکام الهی و اسلامی، لبریز از آیین‌های ملی و حماسی است (جنیدی، ۱۳۹۰: ۲۷).

یکی از موضوعات مهم در شاهنامه تاثیر پذیری فردوسی از قرآن کریم است که بخشی از آیات را در مورد بحث آفرینش و تطبیق آن با آفرینش اساطیر در شاهنامه در تطبیق آن در قرآن مورد مذاقه قرار داده است. اسطوره یا داستان آفرینش، روایتی نمادین در فرهنگ و در میان مردم است که دربارهٔ آغاز جهان و چگونگی پیدایش انسان سخن می‌گوید. برخی ویژگی‌ها در میان اسطوره‌های آفرینش مشترک‌اند. تمامی روایات ایرانی از عان دارند که نخستین انسان (کیومرث) تنی خاکی داشته و از خاک پدید آمده است و زمین را باید مادر نخستین انسان پنداشت که آدمی را از دل خویش بیرون داده است. «او مردم از آن گل که کیومرث را از آن ساخت به شو سر گونه ای اندر سپندار مدهشت و کیومرث از سپندار مد بیافرید و زاد» (عفیعی، ۱۳۷۴: ۱۷-۱۶).

آفرینش در اساطیر شاهنامه از نگاهی این گونه بیان شده است که شکل‌گیری جسم و روان آدمی به دو گونه دیده شده است. نخست آفریدن جهان (تمام موجودات) به صورت مینوی که در بخش مربوط به اسطوره‌های م‌شیاانه

آمده است. جسم برای روح آدمی آفریده شده است نه روح برای جسم. یکی از بخش‌های مهم و جالب داستان آفرینش بحث از جنس و سرشت نخستین انسان است که در همه اساطیر جهان انسان به طریقی هستی می‌یابد که از نگاه قرآن و اساطیر تا حدودی متفاوت است که شاید جنبه مجهول و مبهم آن متغیرهای مربوط به اصل پرستش را محقق می‌سازد.

در مقام تطبیق و از منظر و نگاه اسلام (قرآن) آفرینش جهان و انسان در شش روز «دوره» انجام گرفته است و لذا خلقت مادی انسان و حیوانات و در شاهنامه به ترتیبی غیر از آن است که در قرآن آمده است. فردوسی در اثرش نه تنها اساطیر و تاریخ حماسی را به تصویر می‌کشد بلکه بازتاب دهنده تفکرات فلسفی و حکمی اسلامی است. شاهنامه فردوسی نه فقط باور به ابداع و حدوث اولین مخلوق هستی دارد. بلکه به مبحث حرکت و سکون و فعل و انفعالات عالم (جنش و آرام) دارد و آنها را با هم مرتبط می‌داند.

تفاوت عمده و اساسی بین جهان بینی آفرینش در اساطیر ایرانی خصوصاً اساطیر شاهنامه وجود دارد. مطالعه تطبیقی تاریخ اساطیری ملل صاحب نام که در دل خویش نخستین تمدن‌ها را جای داده اند و باورهایی که در این سرزمین پدیدار شده نشان می‌دهد آنچه امروز برخی از ادیان خصوصاً قرآن کریم در باره گیتی و هستی و فلسفه پیدایش جهان و آدمی مطرح میکنند و پیروان آنها بدان باورها پایبندند، ریشه در اعماق اساطیر و ادیان خصوصاً قرآن دارد و اندیشه دینی انسانها در مورد آفرینش با توجه به شناخت و نوع زندگی او شکل گرفته است و بر اساس آن بپوشش و نگرش آفرینش را از منظر اساطیر خصوصاً شاهنامه و قرآن تبیین می‌کند.

حال با توجه به این که آفرینش در ادیان مختلف از جمله اسلام و همچنین کتب اساطیر ایرانی مطرح بوده که شناسایی رموز و جنبه های سمبلیک قرآن از لحاظ آفرینش و تفاوت آن با اساطیر شاهنامه که از مباحثات و ابهامات اساسی این پژوهش نیز میباشد با استفاده از یک روش توصیفی-تحلیلی اقدام گردیده و با جمع آوری داده ها به شیوه اسنادی و کتابخانه ای به صورت فیش برداری، ضمن توصیف و تشریح مفاهیم اساطیری در بحث آفرینش، به پرسش اصلی این پژوهش که: داستان آفرینش در اساطیر شاهنامه در تطبیق با قرآن چه شباهت‌ها و تمایزاتی با یکدیگر دارند و این منابع، آفرینش را چگونه ترسیم می‌نمایند، پاسخ داده خواهد شد.

### اسطوره های آفرینش در ملل جهان

اسطوره های آفرینش، اسطوره هایی هستند که از پیدایش کیهان، آسمان و زمین، انسان و دیگر آفریده ها، در میان اقوام و ملل کهن جهان بحث می‌کنند. مبدأ و سرچشمه ی آفرینش از مواردی بوده که همیشه ذهن و اندیشه انسان باستان را به خود مشغول داشته، و دائم در پی یافتن منشأ و کانون آفرینندگی آن بوده اند.

با مطالعه و بررسی پژوهشهایی که در زمینه اسطوره شناسی صورت گرفته و نیز با تأمل در نظریه های پیدایش اسطوره این نکته روشن می‌شود که در میان اسطوره های گوناگون اکثر ملل جهان، اسطوره ی آفرینش، هم از لحاظ چگونگی پیدایش آن و هم از نظر اهمیت وجود این اسطوره، که در میان مردمانی که آن را خلق کرده اند از مرتبه ی

نخست برخوردار بوده است. بنابراین در دوران اساطیری، دورانی که انسان با تخیل خود زندگی می‌کرد، موضوع خلقت و آفرینش اعم از کیهان و جهان و انسان و دیگر مخلوقات، ذهن بشر را به خود مشغول داشته بود، سعی می‌نمودند تا سرچشمه‌ای برای پدیده آفرینش بیابند. از اینجاست که اساطیر آفرینش در اشکال گوناگون و نزد اقوام مختلف پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند (الیاده، ۱۳۷۸: ۱۶-۱۸).

مطالعات نشان می‌دهند برخی ویژگیها در میان اسطوره‌های آفرینش مشترک هستند. در تمامی این افسانه‌ها، یک طرح کلی و شخصیت‌های تأثیرگذار وجود دارد و تمامی ماجرا در گذشته‌های نامشخص و مبهم روی داده است. در تمامی این داستانها سعی بر آن است تا به پرسشهای عمیق فلسفی که جامعه با آنها دست به گریبان است، پاسخ داده شود. اسطوره‌های آفرینش دیدگاه و نگرش افراد جامعه را نسبت به جهان نشان میدهد و چارچوب هویت فرهنگی اعضای جامعه را معین میکند (پاک رو، ۱۳۹۱: ۱۱).

### شاهنامه فردوسی

شاهنامه [م] نامه ممتاز در نوع خود [نامه شاه] کتاب تاریخ و سرگذشت پادشاهان ایران در زبان پهلوی است که آنرا خدای نامه نیز می‌گویند. کتابی که در آن شرح زندگان و نبرد شاهان و پهلوانان آنان آمده است (سیرالملوک، خداینامه، اثر ناظم الاطباء)، (دانشنامه دانش گستر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۱۷).

فردوسی در شاهنامه، جهانبینی ایران باستان دربار آفرینش و هستی را به گونه‌ای نمادین بازگو میکند. با این که فردوسی به این آفرینش اساطیری نظر دارد، اما آفرینش از دیدگاه اسلام را که بدان باور دارد، سر آغاز حماسه خویش قرار میدهد (پاک رو، ۱۳۹۱: ۱۱).

آفرینش از دید فردوسی همان چیزی است که در قرآن کریم سوره (۸۲/۳۶) آمده است. «انما أمره إذا اراده شيئاً أن يقول له كن فيكون» (شأن الله جز این نیست که چون آفرینش چیزی را اراده کند همین است که به آن می‌گوید: باش، پس بی‌درنگ موجود می‌شود) و در شاهنامه آمده است:

نخست آفرین کرد کرد گار	توا نا و دان نده روز گار
که چرخ و زهان و مکان آفرید	توا خایبی و ناتوان آفرید
همان چرخ گردنده بی ستون	چرا، نه به فرمان او در به چون
بدان آفرین کوج جهان آفرید	بل ند آسمان و زمین آفرید

توا نا و دا نا و دار نده او ست سپهر ز همین را نگار نده او ست

به چرخ اندرون آفتاب آفرید شب و روز و آرام و خواب آفرید

(فردوسی، ث ۱۲۷۷، ب ۹۰-۲۴۸۵)

حتی فردوسی درباره آفرینش انسان از خاک می‌گوید:

کسی را که با شد نژادش ز خاک اگر باز گردد بدو بر چه پاک

که در قرآن آمده است وقتی خداوند از ملائکه می‌خواهد که به انسان سجده کنند، شیطان می‌گوید: «أَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طَبِيبًا؟» (ابلیس گفت: آیا برای کسی که از گل آفریده ای سجده کنم؟) (۱۷/۶۰).

### مراتب خلقت

اولین مرتبه خلقت از نظر فیلسوفان، عرفا و برخی متکلمان آفرینش مجردات است. بعضی از آنها اولین مخلوق خداوند را عقل می‌دانند (ناصر خسرو: ۱۳۴۱: ۹۴؛ این سینا، ۱۳۶۰: ۳۲۱؛ غزالی، ۱۳۷۷: ۸۱۸). ضمن اینکه چنین باوری در ایران باستان نیز وجود دارد. اولین «امشاسپند» که نمایه ای از خرد و روشنی است. بهمین نام دارد (زهان و رنگ خدای) را اولین مخلوق می‌دانند. در اندیشه های اسلامی نیز به مواردی به عنوان اولین مخلوق خداوند اشاره شده است. از جمله آنها میتوان به: قلم، نور، لوح و قلم، یاقوت سبز، حقیقت محمدیه و عقل اشاره کرد. فردوسی، چون دیگر حکیمان ایران خداوند را خالق و ناظم و مدبّر جهان می‌داند و در سخن خود به یگانگی خداوند اقرار دارد:

چو عز بر سیر خا هه چین بشد ست سر نا هه بود آفرین از نخ ست

بر آن داد گر کوج بهان آفرید پس از آشکارا نهان آفرید

(فردوسی، ۱۳۷۵/۵: ۵۶۲)

خداوند نده ست و خداوند نده ست همه چیز جفت است و ایزد یکی است

(فردوسی: ۱۳۸۴/۶: ۵۵۸)

فردوسی، نخست آفریده یزدان را خرد می‌داند:

نخ ست آفرینش خود را شناس نگره بان جان است و آن سه پاس

(فردوسی، ۱۳۶۶/۱: ۵)

در فرهنگ ایران باستان، خرد و اندیشه نیکو نخستین آفریده است. و اهورامزدا از مشاسپندان، نخست به من را آفرید. در آغاز شاهنامه (به نام خداوند جان و خرد) خواست از خرد همان است که در فلسفه «عقل کلی» می نامند (خالقی مطلق، ۱۳۷۰: ۵۷).

فردوسی تأکید دارد که باید با آغاز و چگونگی به وجود آمدن ماده اولیه عالم کون و فساد آشنا شد. در ابیات نخستین مربوط به آفرینش فردوسی عالم کون و فساد را آفریده یزدان می داند.

ز آ آغاز با ید که دا نی در ست      بدان      تا توا      غایی آ      هد پد      ید

که      یزدان ز      ناچیز، چ      یز آفر      ید      بدان تا توانایی آمد پدید

(فردوسی، ۱۳۶۶: ۵/۱)

### سیمای جهان از نظر شاهنامه

در شاهنامه اصولاً مبنای بحث خردگرایی است و خدای یکتا نیز خدای خرد است، که به قول فردوسی در وصف و کلام و صفات گنجانده نمی شود. فردوسی به آفرینش فلسفی تدریجی و دنیای در حال تغییر و تحول اعتقاد دارد. او از چهار گوهر یاد می کند و اعتقاد دارد کل جهان از چیزی پدید آمد و خود آن چیز اولیه که بر هیچ کس معلوم نیست، آنرا به یزدان می سپارد و پس از آن خود طبیعت به خلق می پردازد تا که به امروز رسیده است. فردوسی جهان بینی ایران باستان را درباره آفرینش به گونه ای نمادین بازگو می کند:

از آغاز باید که دانی درست      سر ما      یه      گوهران از نخ      ست

که      یزدان ز      ناچیز چ      یز آفر      ید      بدان تا توانایی آمد پدید

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۸)

بنا به سنت زردشتی «اورمزد» نخست زمان بی کرانه را بیافرید. پس از آن، زمان کرانه مند را پدید آورد، چون از آغاز آفرینش آفریدگان را آفرید تا به فرجام که اهریمن از کار بیفتد، به اندازه دوازده هزار سال است که کرانه مند است (بهار، ۱۳۸۴: ۵). نخستین سه هزاره دوره آفرینش اصلی است و در آن دوره اولین آفریده «اورمزد»، «امشاسپند»، «ایزدان» بودند (هینلز، ۱۳۶۸: ۸۶).

## اوصاف آفریدگار از نظر شاهنامه فردوسی

از منظر فردوسی، خدا از نظر چشم ظاهر بین ناپیدا است، زیرا نامتناهی است:

به بیند خدگان آفریند خنده را نیی نی مرز بجان دو بیند خنده را

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۷)

اندیشه پخته فردوسی دربارهٔ عالم هستی نشان از تلقی عقلانی از وجود پروردگار است:

نیابد بدو نیز اندیشه راه که او بر تر از نام و از جای گاه

خرد گر سخن برگزید خنده می هان را گزید خند که بی خنده می

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۷)

## آفرینش جهان در شاهنامه

اعتقادات فردوسی در آفرینش جهان و انسان با عقاید جاری آن زمان متفاوت است. زیرا نخست از خرد ستایش می کند، و اولین آفرینش خدای را «خرد» می داند:

نخست آفرینش خرد را شناس نگهبان جان است و آن سه پاس

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۸)

خلقت مادی انسان و حیوان در شاهنامه بترتیبی غیر از آن است که در قرآن آمده است.

که یزدان ز ناچیز، ناچیز آفرید بدان، تا توانایی آمد پدید

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۸)

توانایی در آفریده‌ی یزدان پدید آمد از چیزی که یزدان آفرید. چهار عنصر پدید آمد که هر یک سزاوار خویش جای گرفتند، یک اندر دگر آمیختند و:

بیال یزد کوه آبها بردم یزد سررستنی سوی بالاک شید

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۸)

پس از گیاه جنبنده پدید آمد.

چنین است فرجام کار جهان ندا نندک سی آ شکار و جهان

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۹)

و پس از آن مردم پدید (انسان خلق شد) آمد.

چو زمین به گذری، مردم آمد پدید شدا بین بندها را سرا سر کلا یزد

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۹)



در تمام این تحولات از پدید آمدن سخن رفته و نه از آفریده شدن زیرا که اصل و گوهر همه گیاهان و جانوران و مردمان همه طبیعت بشمار می آورد که آفریده شد. و از طبیعت با کرمک ه مان توانایی ( که انرژئ، حرکت و جنبش باشد جلوه های گوناگون زندگی پدید می آید. و در آخرین، بیت این گفتار نیز اشاره شده است:

نخ ستین ف طرت، پ سین شمار توئی، خویشتن را به بازی مدار  
(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۹)

همینطور او موضوع آفرینش جهان را وصف می کند و عناصر را یکی پس از دیگری شرح می دهد تا جائی می گوید:

چنین است فرجام کار جهان  
ندانند کسی آشکار و نهان

و شاید فردوسی همان بحث (کُن فیکون) را تأیید می نماید که تشابهی در آفرینش با قرآن کریم دارد. او در توصیف ساختار کیهان به این مقوله نظر دارد. فردوسی سیر آفرینش را از نگاه شاهنامه پس از ذکر و یاد پروردگار که خالق کل هستی است اعتقاد دارد آفرینش از مینو (عالم انوار) شروع شده و بعد آفرینش مادی جهان هستی و آنچه که مربوط به آن است به وقوع پیوسته و سیر آفرینش را یکی پس از دیگری، خیلی فشرده بیان می کند و چگونگی بحث آفرینش را از نگاه اسطوره ای و اندام وار و یک پارچه ترسیم می نماید و خرد را اولین آفرینش می داند. که مؤید آن این بیت است:

نخ ستین آفرینش خود را شناس  
نگه بان جان است و آن سه پاس  
سه پاس تو چه شماست و گوش و زبان  
که ز این سه رسد نیک و بد بی گمان

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۸)

فردوسی سیر آفرینش را از نگاه شاهنامه پس از ذکر و یاد پروردگار که خالق کل هستی است اعتقاد دارد آفرینش از مینو (عالم انوار) شروع شده و بعد آفرینش مادی جهان هستی و آنچه که مربوط به آن است به وقوع پیوسته و سیر آفرینش را یکی پس از دیگری، خیلی فشرده بیان می کند و چگونگی بحث آفرینش را از نگاه اسطوره ای و اندام وار و یک پارچه ترسیم می نماید و خرد را اولین آفرینش می داند. که مؤید آن این بیت است:

نخ ستین آفرینش خود را شناس  
نگه بان جان است و آن سه پاس  
سه پاس تو چه شماست و گوش و زبان  
که ز این سه رسد نیک و بد بی گمان

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۸)

## آسمان

« در تاریخ ادیان» آسمان کهن ترین تجلیات قداست، سرشار از ارزشهای اساطیری مذهبی و حوزه اقتدار الهی است که به اقتضای ارتفاع بی انتهای خود اقامتگاه خدایان و جایگاه آیین های صعود است. م.شاهده طاق آسمان تجربه ای مذهبی در وجدان انسان ابتدایی است.» در متون ادبی مورد ملاحظه ما نیز آسمان جایگاه خداوند قلمداد شده است.

همه سر نهاده سوی آسمان      سوی کردارم کمان وز همان

بیان فردوسی از آفرینش آسمان و زمین سخنی کاملاً همخوانی با منابع اسلامی دارد. فردوسی در شاهنامه در وصف آسمان اشاره می کند و می گوید:

به چ ندین فروغ و به چ ندین چراغ      بیارا سته چون به نوروز باغ

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۹)

اشاره به آیه قرآنی (فصلت/۱۱) (زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ) آسمانها را به چراغ ها بیاراستیم) آفرینش آسمان نیز آن گونه که در شاهنامه اشاره شده است، با عقاید زردشتی تطبیق نمی کند.

از طرفی قرآن ماهیت آسمان را هنگام آفرینش «دود» می داند و این با سخن فردوسی در .... بیت « (ز یاقوت سرخ است چرخ کیود) منافات ندارد (فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۹).

نقل است اولین مخلوق الهی نور بوده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۵۹۳). این نور از چیزی پدید نیامده بود و خداوند از آن نور یاقوتی به اندازه ضخامت آسمانها و زمین پدید آورد و آن یاقوت آب شد و عرش را از آن نور آفرید و بر آب مستقر ساخت (مجلسی، ۱۱۱۱ ق: ج ۹، ص ۵۴). حدیثی از پیامبر (ص) نقل است که فرمود: عرش پروردگار از یاقوتی سرخ است (همان: ۱۰۴، ۵۸) و ماده آسمان سوم یا هفتم از یاقوت سرخ است.

پس فردوسی با این اوصاف به منابع اسلامی رجوع کرده و برداشت خویش از محتویات آن منابع را بلور شعر فوق باز تابانده است. پُرفسور (فن گرونهام) خاور شناس و شاهنامه پژوه غربی می نویسد: « در واقع فردوسی شاهنامه را با داستان آفرینش جهان آغاز می کند و دید متعارف اسلامی را در باب آفرینش پذیرفته است (جی کی فون گرونهام، ۱۳۶۹: ۳۳۹).

## زمین

زمین مادر همه زایشمندان می شود (زادسپیرم، ۱۴۰۰: ۶۸). در بررسی های انجام گرفته نتیجه این است که زمین در تأله و قداست کمتر از آسمان نیست. کوه یکی از رمزهای محور کیهان است که زمین را به آسمان می پیوندد. از سوی دیگر مرگ و رستاخیز زمین که در پی تغییر فصل ها صورت می گیرد از تجلیات قدسی زمین به شمار می رود.

در شاهنامه نیز پس از اشاره ای گذرا به آفرینش چهارگانه و چگونگی آفرینش آسمان به موضوع آفرینش زمین پرداخته شده است.

نخستین که آتش به جنبش دمید ز گرمیش پی خَشکی آمد پدید

ز همین را بلندی نبود جایگاه یکی مر کزی تیره بود و سیاه

ستاره بر او بر شگفتی نمود به خاک اندرون روشنایی فزود

(فردوسی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۴)

### خورشید

از میان عناصر زیست‌شناختی قداست که در باب آفرینش مطرح است خورشید مهمترین تجلی جریان مضمون قداست به شمار می‌رود و بیشتر اساطیر مربوط به آفرینش که بازتابی در ادبیات ما داشته است مربوط به خورشید است. (زمردی، ۱۳۸۵: ۴۵).

در شاهنامه نقش درفش کیکاووس خورشید است (کزازی، فرقدانی؛ ۱۳۸۶: ۹۵). دلیل اصلی و هدف منطقی از آفرینش خورشید و ماه روشن ساختن زمین است و بدست دادن و سیله و روالی برای سنجش زمان. در سرسره شاهنامه، مقاطع زمانی با دمیدن خورشید و غروب آن نمایان شده است. در بسیاری از این موارد توصیف طلوع خورشید با حالات جهانی مطابقت دارد. در واقع فردوسی هوشیارانه به این تمهیدات اسطوره ای جهت پیری سبک جهانی دست زده است.

آفرینش زره، لعل، عقیق، و یاقوت به آفتاب منسوب است در یک یک متون (بندهشن) تکوین زره را نتیجه تجزیه و مسخ انسان- گول پیکر اولیه یعنی کیومرث می‌داند و به آن است که زره از جان کیومرث پدید آمده است. (زمردی، ۱۳۸۵: ۶۴)

### خاک

رابطه دو سویه خاک با چرخه زایش و مرگ به آن رنگ قدسی می‌بخشد. چنانچه در روایات و اساطیر ایران به آفرینش انسان از گل و خاک اشاره شده است.

«مردم از آن گلند که کیومرث را از آن ساخت» «وقتی آسمان از زمین جدا شد انسانی بر زمین نبود و پنج بانو ..... نخستین انسان را از گل زرد آفرید (زمردی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

خاک به همان سان که نماد آفرینش و خلقت انسان به شمار می رود همانگونه نیز نماد گور و مرگ او محسوب می شود.

سرانجام به ستر جز از خاک ازو بهره زهر ست و تریاک نیست»

از خاک با صفت تیرگی یاد می شود بر خلاف آب که به صفت روشنی متصف است.

ز خور شید تا بنده تا تیره گذر نیست از داد یزدان پاک

(فردوسی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳)

در شاهنامه علاوه بر شواهد که در تجلیات قدسی خاک اشاره شد زنده بینی خاک مورد توجه قرار گرفته است.

همه خاک آن شارستان شاد شد گ یاه بر چه هن سور آزاد شد

(فردوسی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۶۸)

## کوه

کوه ها رمز محور کیهانی هستند که زمین را به آسمان پیوند داده و نماد قدرت خدایان محسوب می شوند. کوه ها مقدس اند « و برانگیخته شدن زردشت، موسی (ع) و حضرت محمد (ص) در کوه نموداری از این تقدس است» (زمرّی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

در متون ادبی ما کوه جایگاه عبادت و محور تقدس به شمار می رود.

اعتقاد به وجود شعور و حیات در کوه مثل سایر پدیده ها در افسانه ها و اساطیر نمایان است. مثلاً فردوسی در داستان اسکندر به آواز کوه و سخنگویی آن اشاره داشته است :

چو آهد به تاریکی اندر سیاه خروشی بر آهد ز کوه سیاه»

«که هر کس که بر دارد از کوه سنگ پ شیمان شود... دارد به چ ننگ»

« سپه سوی آواز بنهاد گوش پر اندیشه شد هر کسی زان خروش»

(فردوسی، ۱۳۹۶، ج ۷، ص ۸۳)

پروردگار پس از آفرینش مادی جهان هستی (یعنی آسمان، زمین، آفتاب و...، انسان را می آفریند. موجودی که خلاف سایر موجودات راست قامت است. (سرش راست بر شد چو سرو بلند) و به گفتار خود از سایر موجودات متمایز می گردد.

چون زین به گذری مردم آهد پدید	شدا این بندها را سرا سر کلید
سرش راست بر شد چو سرو بلند	به گفتار خوب و خرد کار بند
پذیرندهی هوش و رأی و خرد	هر او را دد و دام فرهان برد
ز راه خرد بند گری اندکی	که مردم به معنی چه باشد یکی
مگر مردم می خیره خوانی ه می	جز این را نشانی ندانی ه می

تو را از دو گیتی بر آورده اند به چندین میانجی پیورده اند

(فدوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۹)

در شاهنامه پیش از آفرینش انسان، شش عنصر آفریده می شود. آتش، باد، آب، خاک، گیاه و حیوان. سپس به انسان می رسد، موجودی هوشمند، خردورز، و راست قامت، که به گفتار و خرد از سایر جانوران متمایز است و باید در این جهان اندیشه کند، تا در جهان پسین به شمار گذارده شود. در شاهنامه بحث بر سر خلقت انسانی است که فارغ از جنسیت و طبقات اجتماعی است.

جایگاه او در این اثر بزرگ بسیار درخور توجه است. انسان شاهنامه در راه پیروزی خردمندان می جنگد و در عرصه حماسه شرکتی فعال دارد.

نه از جایش آرام گیرد ه می نه چون هات باهی پذیرد ه می

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۹)

در شاهنامه بر خلاف متون زردشتی کیومرث نخستین شاه است نه نخستین انسان، و تنها نقطه مشترک، میان کیومرث شاهنامه و کیومرث روایات زردشتی در توافق بر سر عدد «سی» است که پادشاهی کرده است. تمام اساطیر

ملل به آفرینش انسان از گل و خاک اشاره دارند (زمرّدی، ۱۳۸۵: ۲۴۱). فردوسی بدون اسطوره سازی و بدون ذکر افسانه ابهام آمیز آفرینش و بدون ذکر مثلث (آدم، حوّا، خدا) انسان را پدیده ای طبیعی می داند که از دامن زمین روئیده شده است.

چنین است فرجام کار جهان  
 ندامت کس سی آسکار و نهان  
 (فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۸-۹)

### مراحل آفرینش در قرآن کریم

یکی از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است، و آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که به مطالب علمی، به منظور نشان دادن آثار قدرت لایزال پروردگار متعال پرداخته است. آدمی از دیرباز همیشه در این فکر بوده که آسمانها و زمین از چه چیزی ساخته شده اند و برای چه کسانی به وجود آمده اند؟ این که چه دورانه ها و مراحل می گذرانده اند.

با توجه به آیات قرآن، آسمان و زمین در شش دوره خلق شده است که منظور از آفریدن آنها جمع کردن اجزاء و سپس جدا کردن (ساخت آنها) از مواد دیگری متشابه با هم و مترکم در هم است. به حکم این آیات خلقت آسمانها در دو روز و خلقت زمین نیز در دو روز صورت گرفته و در نتیجه از شش روز دو روز باقی مانده که در آن تقدیر ارزاق و یا به عبارتی به حرکت در آوردن زمین به دور خورشید است، به نحوی که در اثر دور و نزدیک شدنش از خورشید و نیز در اثر میل به سوی شمال و جنوب چهار قسم هوا در زمین پیدا شد. هوای بهاره، هوای تابستانی، پائیزی و زمستانی و در نتیجه زمین آماده گردید برای این که ارزاق روزی خواران از آن بروید (علاوه طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۹؛ موسوی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۲۲۴). در (سوره فصلت / ۹) خلقت آسمان و زمین را اینگونه بیان می کند: (خلق الارض فی یومین).

در تفسیر این آیه گفته شده است: «خدا زمین را در دو روز (دو دوره) به گونه ای خلق فرموده که مناسب برای سکونت و زندگی انسان و حیوانات دیگر باشد و فاصله بین زمین و خورشید طوری است که حرارت زمین به میزان معتدلی است نه سرد است که سبب انجماد همه موجودات شود و نه بسیار گرم که سکونت در آن غیر قابل تحمل باشد». زمین را هوا فرا گرفت که انسان، حیوانات، نباتات بتوانند تنفس کنند. گردش زمین به دور خود و خورشید به سرعتی است که شب و روز متعادل و فصول مختلفی به وجود آمده که نبود هر کدام کافی است که قسمتی از زندگی مختل شود. (همان، ج ۱۰، ص ۱۲۴).

از مجموع بحث های موجود در این رابطه می توان به این نتیجه رسید که آفرینش زمین و آسمانها در شش دوران صورت گرفته است. و این ادوار جهانی می تواند شامل میلیون ها یا میلیاردها سال باشد. بدین ترتیب با یافته های علمی که خلقت جهان را میلیاردها سال می دانند تعارض ایجاد نمی شود.

## آفرینش جهان در قرآن کریم

قرآن کریم به طور مستقل و مستقیم به ذکر آفرینش جهان و چگونگی وجود آسمانها و زمین پرداخته بلکه این مسئله به صورت ضمنی در آیات مطرح شده است در آیات مربوط به آفرینش هستی هیچ گاه به بحث های تفصیلی اشاره نشده است. و تنها به نقش قرآن در هدایت مردم بسنده شده است. در آیات به تکرار به خلق موجودات به دست خالق توانا اشاره شده است و این را برای تفکر و معرفت انسانها بیان می کند تا ایمان بیاورند و کفر نوزند.

قرآن آفرینش جهان را در شش روز (دوره) و مرحله ترسیم می کند « در حالی که عرش خدا برآب بود» (هود: ۷) در جای دیگر ماده اصلی جهان را گازها بیان می کند (ر. ک: فصلت: ۱۱) و نیز از آفرینش آسمانها و زمین سخن به میان می آورد (ر. ک: اعراف: ۵۴) و بیان می شود که آفرینش زمین و برقراری نظم هفت آسمان در دو روز بوده است (ر. ک. فصلت ۹-۱۲) و نیز به خلقت شب و روز، کوه ها و دریاها و رودها، رعد و برق، ابرها و بادهای، گیاهان، جانوران، پرندگان، فرشتگان و جن و انسان اشاره شده است. (نور: ۴۵)

## اوصاف آفریدگار از منظر قرآن کریم

یکی از راههای شناخت خداوند و صفات او نگرش از منظر قرآن است. خدای سبحان در (سوره اعراف، ۱۸۰) ( وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذَرُوا الَّذِیْنَ یَلْحَدُونَ فِیْ أَسْمَائِهِ ) صفات الهی و أسماء حسنی را برای خود ثابت می کند و مردم را به شناخت آن دعوت می نماید.

(ترجمه: و برای خداوند نامهای نیکی است، خداوند را به آن نامها بخوانید و کسانی که اسمای خدا را تحریف می کنند رها سازید) (سوره اعراف، آیه ۱۸۰). در آیه ۷۴ سوره نحل و آیه ۴ سوره اخلاص این موضوع به صراحت بیان شده است. و همانطور در آیه ۱۱ سوره شورا هرگونه تثلیث و تشبیه را از خداوند نفی می کند و می فرماید: (لَیْسَ كَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ) (همانند او نیست و او شنوا و بینا است)

متکلمان صفات الهی را به لحاظ گوناگون تقسیم کرده اند: به صفات ثبوتیه (جمالیه) مانند: علم، قدرت و صفات سلبیه (جلالیه) مانند: جهل، عجز و ناتوانی. یا اگر صفاتی از نسبت ذات به افعال انتزاع شدند یعنی به افعال خداوند ارتباط پیدا کنند، صفات فعلیه نامیده می شوند. مانند: خالق، رازق (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۰۷)

## آفرینش آسمان از نگاه قرآن کریم

«و السَّمَاءَ بَنَیْنَهَا بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات، آیه ۴۷)، (و آسمان را با دستانتان) خود بنا نهادیم و پیوسته گسترش می دهیم).

پس بیدرنگ گوی کوچک سبز درخشان، مبدأ آفرینش شد. جهان کو چک اولیه بتدریج بزرگ و بزرگتر گردید (خداوند قوانین کلی جهان خلقت را همانند ساخت) از آن مبدأ آفرینش (آن گوی کو چک اولیه) هوادی ایجاد و همچنان آنرا تغذیه و بزرگ می نماید و این چیزی نیست جز امر خداوند که فرمود: «كُنْ فَيَكُونُ» (هدام جو شان باش و بی درنگ جوشان باشد). دانه اولیه جهان چاکهایی در درونش بوجود آمده، سپس توده هایی از کرات پیدایش یافتند که باید آنها را کهکشانهای اولیه در آن جهان اولیه نامید. جهان اولیه اول یک پوسته داشت که به آن «سما» یا آسمان گفته می شد و یک محتوا داشت که (ارض) یا زمین نامیده می شد (سیدرضی، ۱۳۹۹، خطبه اول).

### آفرینش زمین از منظر قرآن کریم

همانطور که بیان شد جهان اولیه یک محتوا (ارض یا زمین) داشت. زمین ما در همین اواخر خلق شده است (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا) (اوست خدایی که آنچه را در زمین است برای شما آفرید) (بقره، آیه ۲۹).

پس از خلق آسمان اول بر اساس آیه (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (اوست خدایی که آنچه را که در زمین است برای شما آفرید پس آهنگ آفرینش آسمانها کرد پس تکمیل نمود آنها را هفت آسمان، و او بر هر چیزی داناست (همان) ناگهان محتوی این جهان دگرگون شد و کرات و منظومه ها به هم ریختند یک انفجار عظیم رخ داد و همه چیز متلاشی شد و تبدیل به گاز و مایه مذاب گردید.

با سرازیر شدن انرژی و مواد حاصل از فوران و دامنه از مرکز اولیه جهان رفته رفته گاز و دخان در یک نقطه متراکم گردید، در نتیجه نیروی دامنه کوچک ترین ذره های موجود در گاز با هم تلاقی و هم جوشی، به اندازه ای داغ و حرارت یافت که ناگهان منفجر شد (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ....) (تکرار شده است)، آیه ۳۰: (سوره انبیاء) پس توجه کرد به آسمان دیگر در حالی که دخان بود. در نتیجه با هر تحولی و انفجاری که در مرکز جهان ایجاد می شود یک (سما) یا آسمان جدیدی در آن متولد می شد. خداوند آسمان ها و زمین را در شش روز (دوره) خلق کرد. پس جهان پهناور ما در مرحله «ایجاد» یک آسمان داشت و در فرآیند تحولات خود اکنون در مجامع دارای هفت پوسته یا هفت قشر حلقه ای یا هفت آسمان است و در اواخر روز هفتم قرار دادیم. (همان آیه).

از بررسی آیات قرآن کریم بر می آید که به هم پیوستگی آسمان و زمین اشاره به آغاز خلقتی دارد که جز ذات باری تعالی، نیروی دیگری توانایی انجام آنرا ندارد. لذا در ابتدا مجموعه این جهان به صورت توده ی واحد عظیمی از نجار سوزان بود که بر اثر انفجارهای درونی و حرکت به تدریج تجزیه شد و کواکب و ستارگان از جمله منظومه شمسی و کره زمین بوجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

### مراتب پیدایش حیات در جهان هستی



ظاهراً پس از پیدایش خاک میلیون‌ها سال طول کشید تا نمونه‌های ریز حیات به صورت تک سلولی‌های اولیه گیاهی ظاهر شوند. اولین پدیده حیات با تمامی جانداران متنوع از یک ذره باکتری پدید آمد. پدیده حیات از چیزی خلق نگردیده است.

(وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ) خداوند نازل کرد کوههایی از یخ را و زمین با نزول کوههای یخ و آب و باران رو به انجماد و سردی نمود (نور، ۴۳). (وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً) خداوند آب را از آسمان فرو فرستاد.

پیدایش یخچالها موجب پودر شدن سنگهای صلیب و آذرین و ورود آنها به برکه‌ها و اقیانوسها گردید باد و باران و سیلاب سنگهای سخت زمین را شخم زد و برکه‌های آب گرم مملو از گل و لجن بد بود و متعفن گردید. مواد آلی و ترکیبات شیمیایی بستر اولین گامهای پدیده حیات را فراهم نمود.

«وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» (از نشانه اوست که زمین را خشک می‌بینی و چون باران بر آن فرود آوریم، می‌جنبند و گیاه بر آورد، آنکه آنرا زنده می‌کند، زنده‌کنندگان مردگان است، بی‌گمان او بر هر کاری تواناست)، (فصلت ۳۹).

بعد از پیدایش حیات گیاهان، اسفنج‌ها که چند سلولی هستند منشأ بعدی حیات جانوران نیز می‌باشند. حتی از سان نیز سابقه گیاهی دارد «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا» خداوند شما را از زمین رؤیانید در ماهیت گیاه. بدین ترتیب دوزیستان اولیه از تحول ماهی‌های مهره‌دار پدید آمدند، خزندگان از تکامل دوزیستان در زمین گسترش یافتند. از دیدگاه قرآن؛ ابتدا از جنبندگان با تلاقی خزندگان و جانوران آبی اشتقاق یافته‌اند و از خزندگان، پرندگان، و از پرندگان پستانداران، و خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفرید (وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ).

پس از پیدایش حیات جانوران زمانی فرا رسید که جانورانی شبیه به انسان آغاز به راه رفتن با دو پا نمودند. احتمالاً این بشرها از شمپانزه‌ها و گوریل‌ها و بقیه جانداران اولیه منشعب و جهش یافته‌اند. در منابع اسلامی از این بشرها و انسان‌واره‌های قبل از حضرت آدم (ع) به نام (بن-سن-جن-ناس-جان-جن-نسناس) یاد شده است. در منابع غربی نیز از این بشرهای اولیه، تحت عناوین (انسان جاوه، پکن، نئاندرتال، کرومانیون و...) ثبت گردیده است.

اندیشمندان اسلامی بر اساس قرائن و شواهد معتقدند که «حضرت آدم (ع) نخستین انسان نبوده که گام بر روی کره خاکی نهاده باشد. بلکه قبل از او انسانهای دیگری بوده‌اند که به دلایل نامعلومی نسلشان منقرض گشته است» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۶۲۵).

آیه شریفه (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا) (سوره بقره/۳۰) که ملائکه گفتند آیا می‌خواهید کسانی که جانشین خود کنید که فساد کنند و خون‌ها بریزند). این آیه دلالت دارد که قبل از خلقت آدم (ع) انسانهایی در کره زمین زندگی می‌کردند و به فساد آلوده شدند. پس نتیجه می‌گیریم که حلقه حیات حیوانات تا اینجا سه مرحله: الف) نباتات (گیاهان)، ب) جانوران شامل همه غیر از انسان، ج) از سانهای نخستین را پشت سر گذاشته است.

اسطوره‌ها در حقیقت داستانها و روایاتی هستند که انسانهای پیشین برای زایش یا پیدایش عنصر طبیعت پیرا هون خود ساخته‌اند. آنچه از برآیند بررسی آفرینش جهان و انسان از نگاه جهانیان بدست آمده این است که منشأ خلقت در همه این اسطوره‌ها بسیار با هم مشترک می‌باشند.

بن مایه آفرینش در شاهنامه از دیدگاه فردوسی از آفرینش در اسلام جدا نیست و تلفیقی از نگاه اساطیری و قرآن کریم را باور دارد که در (سوره ی ۸۳/۲۶) بدان اشاره شده است. (أَمَّا أَمْرَهُ شَيْئاً يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) که چون آفرینش چیزی اراده کند همین است که به می گوید:

کسی را که با شد نژادش ز خاک / اگر باز گردید و بر چه پاک

که در قرآن کریم نیز اشاره شده است «(أ) سَجْدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيناً» ابلیس گفت (آیا بر کسی که از گِل آفریده‌ای سجده کنم) (۱۷/۶۰) یعنی حضرت آدم (ع) ابوالبشر.

فردوسی با نگاهی اساطیری در مقدمه شاهنامه می گوید: جنس آسمان از یاقوت سرخ است که شاهنامه پژوهان درباره این موضوع نظریات متفاوتی ارائه کرده‌اند. بیان فردوسی از آفرینش آسمان و زمین با منابع اسلامی همخوانی دارد.

قرآن کریم ماهیت آسمان را هنگام آفرینش «دود» می داند و این با سخن فردوسی در مورد جنس آسمان که (ز یاقوت سرخ است) منافات ندارد.

در کتاب علل الشرایع، (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص: ۵۴) این گونه بیان شده است که اولین مخلوق الهی نور بوده است. این نور از چیزی پدید نیامده بود و خداوند از آن نور یاقوتی به اندازه ضخامت آسمانها و زمین پدید آورد. فردوسی قطعاً به منابع اسلامی رجوع کرده است و او شاهنامه را با داستان آفرینش جهان آغاز می کند و دید متعارف اسلامی را در باب آفرینش پذیرفته است.

از طرفی ابیات آغازین شاهنامه بیانگر مطابقت آفرینش جهان در شاهنامه با آفرینش هادی «اور مزد» در اساطیر ایرانی است. آفرینش خورشید، آفرینش ماه به سبب نورانی بودنشان یکی از رمزهای رستاخیز به شمار می روند و در اسطوره‌های آفرینش از قداست برخوردارند.

بعضی از پژوهشگران مانند (دکتر زریاب خویی) معتقد است که جهان بینی که فردوسی در مقدمه شاهنامه ارائه داده است با عقاید بخش مهمی از فرق اسلامی سازگاری ندارد و بیشتر با عقاید اسماعیلیه تطابق دارد بنابراین مقدمه مذکور پسند خاص ناسخان و کاتبان شاهنامه نبوده و از آن جهت به آن دست برده‌اند و ابیات آن را تغییر داده‌اند. آفرینش گیاه نیز یکی از موالید سه گانه و زاده امهات اربعه و یکی از مایه‌های مهم اساطیری است که ریشه در باورهای کهن قوم آریا دارد.

یکی از برجسته ترین نشانه‌های خداوند روی زمین گیاهانند و بعد از موضوع گیاهان، فردوسی به بحث خلقت حیوانات و جنبندگان پرداخته و پس از توضیحات لازم وارد بحث خلقت انسان شده و چنین می گوید:

چو زمین بگذری مردم آهد پدید / شدا این بندها را سرا سر کلید

سپس ویژگیهای انسان را یکی پس از دیگری شرح داده و می گوید که این موجود با سایر موجودات فرق دارد. او صاحب خرد و شعور است. او نیک اندیش و خیرخواه است و سر از دو گیتی برآورده و سپس به آن جهان اولیه بر می گردد. لذا همانطوری که در قرآن، خلقت انسان و حضرت آدم (ع) توصیف شده است انسان اینگونه را و صف کرده است.

به باور شاهنامه نخستین انسان در کوه زندگی می کند و با خرد خویش کلید همه رازهای جهان را در دست دارد. روایات ایرانی اذعان می دارند که نخستین انسان (کیومرث) تنی خاکی داشته و از خاک پدید آمده و زمین را با پید پنداشت که آدمی را از دل خویش بیرون داده است. قرآن کریم نیز خلقت آدم (ع) و حوا را از خاک می داند. نظام منسجم فکری و فلسفی فردوسی در دیباچه شاهنامه بیش از هر قسمت دیگر آن نمود پیدا کرده است که آغاز سخن را درباره پیدایش جهان، آسمان و زمین و گیاهان و جانوران و در نهایت انسان اختصاص داده است. او قبل از بحث راجع به آفرینش جهان هستی و انسان خرد را اولین مخلوق می داند و به ستایش آن می پردازد. که واژه خرد را ۵۰ بار و خردمند را ۳۰۰ بار در شاهنامه تکرار نموده است.

در بحث آغاز خلقت از نگاه قرآن کریم اینگونه بیان می گردد که یکی از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است و در میان آیات آن داستان آفرینش به صورت پراکنده و غیر منسجم مطرح شده است و به گفته قرآن کریم، آسمان و زمین در ابتدا به هم پیوسته بودند و بعد از هم جدا شدند پس از دوره ای که آسمان به شکل «دود» بود خداوند آنها را به شکل امروزی در آورد. مراحل و مراتب آفرینش در قرآن کریم که از خلقت آن شی اولیه از چیزی خلق نشده بود و صرفاً (ایجاد و ابداعی) بود یعنی (کن فیکون) شروع شده است و پس از طی ادواری (شش روز یا شش دوره) همه چیز پدید آمد. همان هستی خلق گردید. از نگاه فردوسی کیومرث شخصیتی پیچیده است. او از عالم مینو به زمین آمده است در اثر گزند اهریمن دچار هرگ شده و چهل سال بعد از تخمه او دو ساقه گیاه ریاس به نام مشی و مشیانه پدید می آیند بنابراین او نخستین بشر است و نسل بشری از مشی و مشیانه پدید آمده است. این امور شباهتهایی به داستانی دارد که فردوسی در قرآن و روایات اسلامی خوانده است. خداوند در قرآن حضرت آدم و حوا(ع) را به عنوان نخستین انسان معرفی می کند که از گل آفریده شده است. «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ» (ص، آیه: ۷۱).

چهل سال کالبد آدم در زمین بود و پس روح الهی بر آن دمیده شد. بدین ترتیب آدم نخستین انسانی است که پس از گذراندن مراحل قدم بر زمین نهاد. فردوسی تا حدودی داستان کیومرث و آدم را یکی می داند. آدم اولین بشر مخلوق است و در واقع خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین به شمار می رود. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/ آیه: ۳)

و کیومرث هم اولین پادشاه:

چنین گفت: کاین تخت و کلاه کیومرث آورد و او بود شاه

(فردوسی، ج ۱: ص ۱۵)

از نگاهی دیگر بلعمی در کتاب خود آورده است: «نخستین کسی که اندر زمین آمد آدم بود او را کیومرث خواندند» (بلعمی، ۱۳۷۸).

در کتاب اعلام قرآن آمده که «خداوند آدم را گرامی کرد و ملک همه زمین را بدو داد و از هر چه بر زمین بود. از چهارپایی، نخجیر و مرغ و همه جانوران فرمانبردار او کرد و هر چه در زمین بود مـ سخر او گردانید.» (خزائنی، ۱۳۴۱: ۷۳). جالب این است که فردوسی هم خیلی مختصر و در چند بیت به زیبایی این تسخیر کیومرث در زمین را نشان می دهد.

دد و دام و هر جانور که ش بد ید      ز گی تی      به نزد      یک او آرم ید

دو تا می شدندی بر ت بخت او      از آن بر شده فرّه و بخت او

(فردوسی، ۱۳۶۹: ج ۱)

(۱۵)

### نتیجه‌گیری

با مقایسه اسطوره‌های آفرینش در شاهنامه فردوسی با آفرینش از نگاه آیاتی از قرآن کریم در می‌یابیم که شکل‌گیری آفرینش این اساطیر در بسیاری از موارد از وجوه مشترکی برخوردار بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیان شاهنامه از آفرینش آسمانها و زمین با منابع اسلامی همخوانی دارد. آنچه از تجزیه و تحلیل بحث تطبیق آفرینش از نگاه شاهنامه و آیات قرآن کریم بدست می‌آید آنست که منشاء (اولیه) خلقت (آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست و گیاهان و جانوران و مردمان) قبلاً در عالم معنی بوده و بعد در عالم مادی از آب و خاک و عناصر چهارگانه بوجود آمده و نماد آن در شاهنامه کیومرث و در قرآن کریم آدم و حوا میباشد.

درفرآیند این پژوهش تشابهات و تفاوت‌هایی از نظر آفرینش بدست آمده که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود. از وجوه عمده تشابه میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- در بحث خلقت جهان هر دو منبع معتقدند که خداوند خالق کل جهان است.
  - ۲- خلقت اولیه جهان از نظر قرآن کریم و شاهنامه هر دو «ابداعی و ایجادی» اند.
  - ۳- بیان شاهنامه از آفرینش آسمانها و زمین با منابع اسلامی همخوانی دارد.
  - ۴- به نظر می‌رسد اصطلاح «بی رنج و بی روزگار» در شاهنامه همان «کن فیکون» در قرآن کریم است.
  - ۵- آفرینش از نگاه فردوسی (شاهنامه) و قرآن کریم ماده اصلی آن در بعد عالم جسمانی آب است.
  - ۶- قرآن کریم و شاهنامه اولین مخلوق خدا را در عالم انوار خرد (عقل) می‌دانند. البته قرآن مؤلفه‌های دیگری را در عالم انوار باور دارد.
  - ۷- شاهنامه و قرآن کریم خلقت انسان را از خاک می‌دانند و شواهدی برای آن نشان داده‌اند.
  - ۸- از نظر قرآن کریم آدم و حوا هر دو از عالم مینو به عالم مادی هبوط کرده‌اند و گیومرث در شاهنامه نیز از عالم معنا هبوط نموده است. و هر دو در کوه سکنی گزیده‌اند.
  - ۹- از نظر آفرینش این دو (آدم (ع) و گیومرث) هر دو نخستین انسانند. با روایتی دیگر کیومرث اولین شاه است، سیاوش اولین انسان است.
  - ۱۰- هر دو در آغاز داغدار فرزندان جوان خود شدند.
  - ۱۱- سیامک فرزند گیومرث بدلی برای هابیل فرزند آدم (ع) بود.
  - ۱۲- دشمن هر دو اهریمن است.
- از وجوه افتراق میان این دو منبع نیز میتوان به موارد زیر اشاره نمود:
- ۱- در قرآن کریم خداوند آسمانها و زمین را در شش روز (دوره) آفرید. اما در شاهنامه چنین چیزی ذکر نگردیده است.
  - ۲- قرآن مناسبترین شرائط برای پیدایش حیات لجن‌ها و باتلاقها می‌داند. ولی در شاهنامه چنین مطلبی ذکر نشده است.

۳- جنس آسمان از نگاه شاهنامه «یاقوت» سرخ است ولی در قرآن کریم آسمان از «دخان» یا دود بوجود آمده است.

۴- ترتیب خلقت در قرآن کریم متفاوت از ترتیب خلقت در شاهنامه است.

۵- در قرآن کریم داستان خلقت آدم و خطاب به او ۲۵ بار ذکر شده است ولی در شاهنامه در مورد کیومرث و یا اسطوره های دیگر به گونه ای متفاوت شرح داده شده است.

۶- از نظر قرآن کریم آفرینش آدم (ع) و انسان در مراحل و مراتب مختلف اشاره شده است. اما در مورد کیومرث اینگونه اشاره شده است ( تو را از دو گیتی برآورده اند).

۷- مفسران داستان خلقت آدم (ع) را تمثیلی و اجزاء انرا سمبلیک می دانند، ولی در شاهنامه به جای تمثیل نهاد بکار برده شده است.

لذا با بررسی و مقایسات انجام شده میتوان گفت که میزان تشابهات در بحث آفرینش حیات و خلقت جهان و انسان در تطبیق شاهنامه و قرآن کریم بیشتر از تفاوتهاشان بوده است. اگرچه در قرآن کریم موضوع آفرینش جهان و انسان بصورت پراکنده و در شاهنامه نیز بصورت موجز و مختصر ارایه شده است ولی بایستی در نظر داشت که این دو منبع الهی و بشری برای رازگشایی و شناخت آفرینش بسیار حائز اهمیت می باشند.

## کتابنامه

- ابن بابویه محمد بن علی ، ۱۳۸۵. علل الشرایع صدوق : انتشارات ایران قم.  
اسماعیل پور، ا، ۱۳۹۳. اسطوره بیان نمادین: انتشارات سروش.  
الیاده، م، ۱۳۷۸. اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، چاپ اول، تهران.  
بلعمی، ابو محمد، ۱۳۷۸. تکلمه و ترجمه تاریخ طبری، انتشارات سروش .  
بهار، م، ۱۳۸۶. اسطوره و تاریخ، انتشارات نشر چشمه، چاپ چهارم، تهران.  
بهار، م، ۱۳۸۴. ادیان آسیایی: انتشارات نشر چشمه، چاپ ششم، تهران.  
پاک رو، فریبا، ۱۳۹۱. نقد تطبیقی اسطوره آفرینش در شاهنامه فردوسی و مهابهاراتای هندی، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، س \*، ش ۲۷، تابستان.  
شیخ رئیس بوعلی سینا، رساله فی معرفه النفس الناطقه. تالیف:  
دانشنامه دانش گستر، ۱۳۸۶. نویسنده علی رامین، انتشارات موسسه دانش گستر روز.  
زادسپر، ۱۴۰۰. گزیده‌های زادسپر. ترجمه رضا آقازاده. انتشارات سمرقند.  
زمردی، ح، ۱۳۸۵. ادیان و اساطیر در شاهنامه، خمسه نظامی و منطق الطیر، چاپ دوم، انتشارات زوار خالقی مطلق، ۱۳۹۶، سال دوم، شماره دوم، زمستان.  
سید رضی، ۱۳۹۹. نهج البلاغه، حضرت علمی بن ابیطالب (علیه السلام)، مترجم سید جعفر شهیدی، ناشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.  
شیخ صدوق، ۱۳۶۲. الخصال، چ جامعه مدرسین، قم، ج ۲، ص ۶۵۲  
جی کی فون گرون بام، ۱۳۶۹. مفهوم تاریخ در منظومه فردوسی، ترجمه وهاب ولی، فرهنگ پاییز، شماره ۷.  
جنیدی، ف، ۱۳۹۰. کتاب زندگی و مهاجرت ایرانیان: انتشارات بلخ.  
جوادی آملی، ع، ۱۳۹۰، تفسیر تنسیم: انتشارات محل نشر قم  
عفیفی، ر، ۱۳۷۴. اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته های پهلوی.  
علامه طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۳. تفسیر المیزان (دوره ۲۰ جلدی). ناشر: دفتر انتشارات اسلامی.  
کزازی، میر جلال الدین، فرقدانی، کبری؛ ۱۳۸۶. توتم در داستان های شاهنامه، فصلنامه زبان و ادب، شماره ۳۴.  
فردوسی، ۱۳۸۶. شاهنامه فردوسی. به تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.  
فردوسی، ۱۳۹۶. شاهنامه فردوسی (نثر و واژه‌یاب)، مؤلف: محبوبه غلامی، انتشارات نظری.  
قرآن کریم

